

کتاب

کهن جایی که تاریخ ایران

محمّد مصدّق





سرشناسه	امینی، محمدرضا، ۱۳۳۲ -
عنوان و نام پدیدآور	زیار، کهن‌یاری در تاریخ ایران / محمدرضا امینی.
مشخصات نشر	اصفهان: .: محمدرضا امینی، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	۳۴۰ ص.: مصور..
شابک	978-600-04-3705-3
وضعیت فهرست نویسی	فپا
یادداشت	کتابنامه .
موضوع	زیار
موضوع	زیار -- تاریخ
موضوع	اصفهان -- تاریخ
موضوع	برآآن
موضوع	ایران -- تاریخ -- صفویان، ۹۰۷ - ۱۱۴۸ ق.
رده بندی کنگره	۲ ی / DSR۲۰۹۱
رده بندی دیویی	۹۵۵/۹۳۲۲
شماره کتابشناسی ملی	۴۰۰۷۰۵۷



نویسنده: محمدرضا امینی

ویراستار: حمید معلمی

بازخوانی ادبی: مهین افضلی

عکس: محمدرضا امینی

خوشنویس جلد: استاد محسن بهارزاده

طراحی جلد و صفحه آرایی: کانون ارتباطات و تبلیغات فراگرافیک

لیتوگرافی: زمان - اصفهان، خیابان سپه

چاپ: چاپخانه ی شیخ بهایی - اصفهان، خیابان مسجد سید

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه - چاپ اول

بها: ۴۲۰۰۰۰ ریال

تماس با نویسنده ی کتاب از طریق پست الکترونیکی: rezaazer332@gmail.com امکان پذیر میباشد

کلیه حقوق قانونی این اثر شامل متن و عکس و دیگر موارد قابل استنساخ در اختیار نویسنده کتاب بوده. لذا استفاده و بهره برداری از این اثر منوط به ذکر منبع و کسب اجازه از نویسنده می باشد.

فهرست

۱۳	 با تأییدات خداوند متعال
۱۵	 قدردانی
۱۷	 مقدمه
۲۳	 فصل اول
۲۵	 تاریخ و نام‌های کهن برخی از نواحی «برآن»
۲۷	 Ziyar زیار
۲۸	 ozvar ازوار
۲۸	 E(a)ziran ازیران
۲۹	 Eji(h) اژیّه
۲۹	 Andulan آندلان
۳۰	 Ici ایچی
۳۰	 Baraan براآن
۳۱	 Bersiyan برسیان
۳۲	 Borkan بُرکان
۳۲	 Balan بلان
۳۳	 Piyadan پیادان
۳۳	 Pizadan پیزادان
۳۳	 Jar جار
۳۵	 Jondan جُندان
۳۵	 Javar جَوَر
۳۶	 Cace(h) چاچه
۳۷	 Cermahin چَرْمهین
۳۹	 Xorjan خورجان
۴۰	 Denart دِنارت
۴۰	 Dizi دیزی
۴۲	 Rasnan راشنان
۴۳	 Zaqmar زغمار

۴۳	Sohran سُهران
۴۴	Siyan سیان
۴۵	 Qarne(h) قارنه
۴۶	Keraj (کَرَاَج) کراج
۴۷	Kalartan کلارتان
۴۷	Kondelan کُندلان
۴۸	Gavxani گاوخانی
۴۹	Gaz گز
۴۹	Liyan لیان
۴۹	Viste(h) ویشته
۵۰	Hermadan هَرَمَدان
۵۱	Yafran یَفران
۵۳	 فصل دوم
۵۵	 اصفهان قدیم در یک نگاه
۶۳	 آب و هوای اصفهان از نگاه مسم
۶۶	 تقسیمات اصفهان قدیم
۶۶	 بلوک‌ها:
۶۶	 محلات:
۶۷	 قَصَبات:
۶۷	 آتش‌گاه‌های اصفهان
۶۹	 فصل سوم
۷۱	 زیار، دیار جلوه‌های طلایی
۸۹	 مساجد منطقه‌ی زیار
۹۷	 آغاز استقرار آریائیان در زیار
۱۰۲	 در مسیر زیار
۱۰۲	 برآن، منطقه‌ی آباد آریایی
۱۰۶	 برآن، با برکت و دل‌گشا
۱۰۸	 برآن، از کشاورزی تا صنعت

۱۰۹	اشکاوند، بهشت عدن یهودیان مهاجر
۱۱۱	فصل چهارم
۱۱۳	منار در فرهنگ و معماری ایران کهن
۱۱۳	منار زیار
۱۱۹	بنیاد منارها
۱۳۲	رد پای عرفان در معماری منار زیار
۱۴۲	دیگر آثار شهر زیار
۱۴۹	فصل پنجم
۱۵۱	اصفهان و برآن در گذر تاریخ پس از اسلام
۱۵۱	مُغان، عاهل سقرط
۱۵۲	مثلت سوم حاکمان، مُغان و پندارهای خرافی
۱۵۳	تازیان، سوشیانت در غن
۱۵۳	فتح اصفهان بدست اعراب
۱۵۵	حاکمان دست نشانده در آن خلافت حضرت علی (ع)
۱۵۶	مذاهب چهارگانه‌ی اهل سنت
۱۵۷	اسلام اموی، سرآغاز کشتارهای مذهبی
۱۶۲	ظهور ابو مسلم فریدنی
۱۶۳	عباسیان، بازی گران چپاول
۱۶۵	حاکمیت ترکان آناتولی
۱۶۶	اسناد مهمی که برای همیشه از دست رفت
۱۷۲	انهدام آثار باستانی
۱۷۶	ظهور مردآویج، آغاز یک پایان
۱۷۹	فصل ششم
۱۸۱	سلجوقیان، دوران طلایی ادبیات ایران و حکومت وزیران باکیاست
۱۸۵	آزادی اندیشه، راز موفقیت سلجوقیان
۱۸۹	ظهور صفویان، آغاز تخریب بناهای سلجوقی
۱۹۳	فصل هفتم
۱۹۵	برآن، در جنگال عصیت‌های قومی و مذهبی

۱۹۸.....	اصفهان در دوره‌ی مغول
۲۰۳.....	فصل هشتم
۲۰۵.....	صفویان، فریب‌کاران بزرگ تاریخ
۲۱۱.....	تاریخ مذاهب قبل از صفویه در فلات مرکزی ایران، اصفهان و ناحیه‌ی برآن
۲۱۴.....	اشاعه و ترویج جبرگرایی و تصوف درباری در خدمت جباران تاریخ
۲۱۷.....	چگین‌های قزلباش، آدم‌خوران دربار صفوی
۲۱۸.....	بیش باد و کم مباد!
۲۲۱.....	آذربایجان، زیر تبرهای خونین
۲۲۴.....	قوم لوط از گور به در می‌شود!
۲۲۵.....	می‌گاری، شرط مهم اثبات دین‌داری!
۲۲۶.....	ریشه‌ی مراسم روضه‌خوانی در ایران
۲۲۸.....	تخریب مساجد
۲۲۸.....	شاه عباس را با آدم‌خوران متبرک!
۲۳۰.....	ورود عوامل اروپایی به ایران
۲۳۵.....	«کوهی کرمانی» شرح واقعه‌ی احنین آورده است:
۲۳۶.....	معماری در عهد صفوی
۲۳۸.....	انحطاط اخلاقی، فروپاشی دستگاه حکومتی را رقم زد
۲۴۱.....	فصل نهم
۲۴۳.....	اصفهان، پس از صفویان
۲۴۸.....	اصفهان در دوره‌ی پهلوی
۲۵۱.....	فصل دهم
۲۵۳.....	سابقه‌ی تاریخی فلات مرکزی ایران
۲۵۷.....	دین حکومتی، عامل روی‌گردانی مردم از آیین زرتشت
۲۵۸.....	اساس کلام انسان‌ساز زرتشت
۲۶۰.....	آتش‌کده‌های ساسانی
۲۶۱.....	مغ‌ها، روحانیون دروغین
۲۶۵.....	فصل یازدهم
۲۶۷.....	نقش پنهان یهودیان در ایران

نقش برخی از مذاهب یهود در تخریب ایران زمین.....	۲۶۹
قوم زیرک، زخم‌های تاریخی، وفور نعمت.....	۲۷۲
تاریخ مهاجرت یهودیان آگزیلارک به فلات ایران.....	۲۷۵
روش‌های رخنه و دسیسه‌چینی آگزیلارک‌ها در ایران.....	۲۷۷
حمله‌های رومیان به ایران، در زمان اشکانیان و ساسانیان.....	۲۸۰
نقش یهودیان در حمله‌ی اسکندر به ایران.....	۲۸۲
غانله‌ی آیین‌های انحرافی.....	۲۸۳
از حجاز تا پارس.....	۲۸۴
موقعیت اجتماعی یهودیان در ایران و اروپا.....	۲۸۷
فصل دوازدهم.....	۲۹۱
روند اکتشافات تاریخی و باستان‌شناسی، از ۱۵۰ سال پیش تا عصر حاضر.....	۲۹۳
تپه‌ی کُپ‌انده راز ۶۰۰۰ ساله.....	۲۹۸
پیکره‌هایی که از سر مناسخن می‌گویند.....	۳۰۲
فصل سیزدهم.....	۳۰۵
پژوهش‌های ژنتیک دکتر اسفندیار تناب.....	۳۰۷
هم‌ریشه بودن همه‌ی اقوام ایرانی.....	۳۰۷
آریایی‌ها، ساکنین ده هزار ساله‌ی فلات ایران.....	۳۰۹
شباهت ژنتیک ایرانیان با اروپاییان.....	۳۱۰
پژوهش‌های کاوالی اسفورتسا.....	۳۱۱
پژوهشی در باب آذری‌هایی که هنوز در دشت وسیع پرتیکن ساکن هستند.....	۳۱۲
واژه‌ی «ایران» و مفهوم آزادگی.....	۳۱۳
فصل چهاردهم.....	۳۱۵
زیار و برآن، در انتظار اجرای طرح‌های خلاقانه برای رفع کم‌آبی.....	۳۱۷
(نظرات تخصصی دکتر فراستی در ارتباط با راه‌کار رفع خشک‌سالی فلات مرکزی ایران).....	۳۱۷
منابع و مأخذ.....	۳۳۱

مقدمه

تغییر بنیادی بر ماهیتی، هویت اصلی آن ماهیت را دگرگون می‌کند. در طبیعت، بازگرداندن هویت بنیادین هر پدیده‌ای به گونه‌ای اولیه‌ی خود، غیر ممکن است. همه‌ی ما برای تعریف داستان‌های غم‌انگیزی که ماهیت خود را از دست داده‌اند، حق انتخاب داریم. هیچ‌کس نمی‌تواند ازده کسی را از دردهایی که بر هویت او مستولی شده است نادیده انگارد.

قومی که به تکرار تاریخ خو گرفت، هیچ زمان نمی‌تواند به شعوری توسعه یافته تجهیز گردد. تاریخ را، آنانی تکرار می‌کنند، که از بی‌خردی تبار ناآگاه خویش، درس چگونه زیستن توأم با عبرت را کسب نکرده‌اند. ضرورتیست شده، تنها ابزار توسعه یافته‌ای است، که سعادت انسان‌ها را در این گره‌ی خاکستری تعیین خواهد کرد.

تجربه‌های تلخ و تحقیرآمیز شرارت‌های گذشتگان، ما را آرزو می‌کند که همه‌ی تمدن گذشته‌ی بشری، هرگز یک واقعیت متکامل نیست؛ بلکه تلاش سوخته‌ای است که تا امروز، در نیل به اهداف جاه‌طلبانه‌ی عده‌ای نابه‌کار حاکم، عظیم و ناکام مانده است.

تا قرن حاضر، اطلاق نام متمدن، بر قوم و قبیله و مردمی که در ساخت اماکن پر زرق و برق و ابنیه‌های آن چنانی، و آثار تاریخی برجای مانده، تبخّری کسب کرده‌اند، همه از سر ناچاری است؛ تا بتوانیم با توسّل به این شیوه، به هویت انسانی خود،

شناسنامه‌ای قابل تعریف تحمیل نمائیم.

ملتّی را می‌توان متمدّن نامید، که با تربیت اخلاق خویش؛ پیوند خود را با جمیع پدیده‌های هستی، به یک تفاهم انسانی مقید کرده باشد.

تا زمانی که آدم‌ها زیر لوای تعصّب، بغض، عداوت و تحمیل عقاید بر یک دیگر، گام بر می‌دارند، هرگز قادر نخواهند شد، بر اریکه‌ی حقیقی تمدّن انسانی دست یابند.

اما هستند اندک انسان‌هایی، که با شعور توسعه یافته‌ی خویش، پرده‌ای رسم کرده‌اند، تا معنای حقیقی تمدّن را در مقابل آدمیان به تماشا بگذارند.

بی‌تردید هیچ تمدّنی به یکباره به وجود نیامده و نمی‌آید. ریشه‌ی تمدّن هر ملتّی، به داش‌ها و هزار ماندگاری باز می‌گردد، که در طول قرون و اعصار، به واقعیت نشسته و در گذر زمان، در هویت و شعور فرهنگی و اقتدار ملی آن دیار، بارور شده است.

تکامل تمدّن هر ملتّی را در سیرهای گذشته، جزیه کتاب‌های ارزشمند، و بنایی خرد والای آن ملت، به هیچ امر دیگری نمی‌توان مورد تفحص قرار داد. تمدّن، تنها؛ احداث چند بنا و عمارت پر طمطراق، و ساختن چند پل، مقبره، باغ و بوستان نیست؛ که اصول اولیه‌ی هر تمدّن واقعی، به درک درست رابطه‌ی تعریف شده از کرامت والای انسان، در تقابل با محیط زندگی او باز می‌گردد.

به یقین باید گفت، که وجود سابقه‌ی ارزشمند تاریخی، بر شار از فرهنگ دیار «زیار»، نشان از قدمت دیرین این کهن‌بوم ایران دارد. در کمال تأسف، محقّقین، نویسندگان، مستندسازان و عکاسان معماری و هنری، همواره عادت داشته و دارند که برای معرفی بناهای تاریخی، از محدوده‌ی شهر اصفهان پای فراتر نگذارند. داشتن این عادت فرهنگی، به ارزش حقیقی خطّه‌ی اصفهان، لطمات جبران‌ناپذیری تحمیل کرده است. استان اصفهان را تاریخ و فرهنگ و هنری بس غنی است، که هویت دیرین آن را باید در فهم، شناخت و معرفی دیگر شهرهای اطراف، و قصبات استان

جستجو کرد. تصوّر بر این است که چشم‌پوشی و بی‌مهری در معرفی آثار دیگر نواحی استان اصفهان به خواهان آن، جز صدمات فرهنگی به شهر اصفهان، ثمره‌ی دیگری به بار نخواهد نشاند.

در فلات ایران، کمتر شهری همچون اصفهان و نواحی اطراف آن وجود دارد، که در طول تاریخ تا این حدّ مورد توجّه محققین، سفرنامه‌نویسان و جغرافی‌دانان قرار گرفته باشد، و کتاب‌هایی بس ارزنده از نیمه‌ی قرن دوم هجری به بعد، از اوضاع جغرافیایی و تاریخی این ناحیه‌ی پر قدمت، از خود برجای نهاده باشند؛ به استثنای کتاب‌های ارزنده مند مورّخین روم و یونان باستان که به قبل از میلاد باز می‌گردد.

با اینکه کلاّی آثار ارزشمند ایران در دوران خانمان‌سوز جبّاران تاریخ - که به بیش از ۴۵۰ حکم سوزده و جبّار خُرد و کلان از زمان حمله‌ی تازیان تا دوران معاصر می‌رسد - همه این سرن‌آشامان، جز کشتار مردم و غارت این مرز و بوم هیچ نکرده‌اند؛ از مهاجمان دو آن به نمان گرفته، تا اعراب که به کلی تمامی مظاهر تمدن و فرهنگ ایران را به نابودی کشیدند؛ تا مغول‌ها، ترک‌ها، افغان‌ها و ... اما با وجود همه این پلیدی‌های تاریخی، کثایات و حفّاری‌های تاریخی باستان‌شناسان، به همراه همان مختصر کتب باقی‌مانده، خود بیل روشنی از حقایق غنی و عینی از این دیار کهن است.^[۱]

آثار کسانی چون یاقوت حَمَوی، حَمَدالله مستوفی، مسعودی، ابوالحسن علی ابن حسین، ابن بطوطه، ناصر خسرو قبادیانی، محمّد بن اصفهانی، محمّد علی مدرّس تبریزی، محمّد باقر موسوی خوانساری راوندی، اسکندر بیک ترکمان، رضاقلی‌خان هدایت، غیاث‌الدّین خواندمیر، مشیرالدّوله پیرنیا، سعد نفیسی، و

[۱] - سرزمین سیستان و بلوچستان، و بخصوص ناحیه‌ی زابل، یا فلات وسیع «رنگیانا» که پیوندی بسیار مستحکم با فرهنگ ناحیه‌ی فلات مرکزی ایران و اصفهان دارد، با وجود دارا بودن بیش از ۱۶۶۰ اثر باستانی و تپه‌های تاریخی مکتشفه، همچنان ناشناخته، و از نظر عموم اهل تحقیق، مهجور و بیگانه مانده است. متأسفانه به خاطر نالایقی قجرها، دو سوم این ناحیه‌ی تاریخی، در سال ۱۸۸۵ میلادی به حبله، توسط انگلیس، از خاک ایران جدا، و به کشور نوپایی به نام افغانستان که خود نیز قبلاً جزئی از خاک ایران بود الحاق گردید.

بخصوص تاریخ نگار بزرگ سده‌ی سوم، محمدبن جریر طبری (تبری)؛ مرحوم دکتر لطف‌الله هنرفر، استاد محمد مهریار، محمدرضا شایسته، منصور قاسمی، دکتر رضا مهرآفرین، سرکار خانم ژاله آموزگار، دکتر منوچهر پارسا دوست و ده‌ها فرد صاحب‌نظر در باب تاریخ، ما را با حقایق تلخی آشنا می‌کنند. این مجموعه‌ی بازمانده از تاریخ اصفهان، سوای آن دسته از کتاب‌هایی است که مستشرقین، سفرنامه‌نویسان و محققین بزرگ تاریخ ایران‌زمین در مورد عهد قدیم ایران و اصفهان نگاشته‌اند. بخصوص از دوران صفویه به بعد، سفرنامه‌نویسان و محققین تاریخی همچون مارسل اگوست و ژان دیالافوآ^۱، لرد کُرزن^۲، کمپفر^۳، دروویل^۴، پروفیسور آندره گدار^۵، پروفیسور اسمیت، شاردن^۶، تاورنیه^۷، گیرشمن^۸، دیاکونوف^۹، هرتسفلد^{۱۰} و دولابیه^{۱۱} و ... از عظمت و تاریخ این دیار کهن سخن‌ها نقل کرده‌اند؛ که آثار هر یک از آنان، - حکایت از گهرباری خطه‌ی ایران و اصفهان دارد.

این خطای بزرگ، هزاره در روزگار ما تکرار گشته است، تا گمان عموم را بر این بنشانند که آثار و اشیای تاریخی را فقط درخود شهر اصفهان می‌توان یافت. بی آن‌که به شناخت تمامی خطای اصفهان، توجّهی جدی معطوف گردد.

متأسفانه، به طور معمول گردش گران خارجی و داخلی، جز چند اثر تاریخی درون شهر اصفهان، به تماشا، تحقیق و شناخت دیگر آثار تاریخی نواحی شهرستان اصفهان هدایت نمی‌شوند.

داشتن هرایده‌ی معنوی و دینی، حق لاینفک زندگی مرفره‌ای است؛ مشروط به

-
- [1] - Marc And Jane Dieulafoy
 - [2] - Lord George Nathaniel Curzon
 - [3] - Engelbert Kaempler
 - [4] - Gaspard Drouville
 - [5] - André Godard
 - [6] - Jean chardin
 - [7] - Jean-Baptiste Tavernier
 - [8] - Roman Ghirshman
 - [9] - Igor M. Diakonoff
 - [10] - Ernst Herzfeld
 - [11] - Pietro della valley

اینکه، اندوخته‌های معنوی و دینی خود را، با توسل به باورهای غلط، به کارخانه‌ی مقاصد فریب‌سازی مُبدل ننماید.

در کتاب حاضر، گمان بر این نباشد که نویسنده را سرناسازگاری با یهودیان هم وطن در نظر بوده است. اگر سخنی به تلخی، و گاه در صفحاتی از کتاب از یهودیانی به عصبیت یاد شده است - منظور، آن دسته یهودیانی است که با ملت خود، تلخی‌های فراوان روا داشته اند. حکایت‌هایی که از دست اندازی و چپاول به نوامیس و امور مالی و معنوی سخن می‌گوید. سخن کاتب، نه با هم‌شهریان عزیز یهودی تباری است، که سالهاست در مجاور هم در این شهر تاریخی در کنار یکدیگر هم‌نفسیم. نواحی اطراف شهرستان اصفهان تاریخی بس بدیع و غنی از معماری کهن ایران را در خود جای داده است، که بی‌تردید تمدن یهودیان نیز در آبادانی آن سهیم بوده است. که بعضاً نه تنها کم‌نظیر، بلکه نظر امت نیز منحصر به فرد هستند.

یقین دارم که شهرستان اصفهان را با فرهنگی پربارتر خواهیم دید، که بتوانیم شهرها و قصبات تاریخی اطراف آن را با شناسنامه‌ی فرهنگی شهرستان اصفهان، با حرکتی شعوری - و نه شعاری - پیوند دهیم.

محمد رضا امینی

تابش سال ۱۳۹۴